

## سرزمین «پنج آب»

هند را «پنجاب» است و ایران را «پنج آب»: خوزستان  
سرمايه فراوانی هند از پنجاب است  
ایران را هم در گذشته همه برکتها و نعمتها از سرزمین زرخیز پنج آب خوزستان بوده:  
کارون - کرخه - دز - جراحی - هندیجان  
اما «پنج آب» ایران را دیگر نعمتها و برکتهاست که «پنجاب» هند را نباشد:  
منابع زیرزمینی و زیرآبی نفت بی پایان  
گازهای طبیعی فراوان  
دسترسى بدریای آزاد

هرچند در گذشته آگاهی از وجود نفت و آب داشتند: آتشکده را بدان وسیله  
میافروختند و نیایش دادار یکتا را بجای میآوردند و همچنین استفاده بهداشتی و ساختمانی از  
این ماده سیاه سیال میکردند؛ اما تا آنجائیکه ما میدانیم استفاده صنعتی از آن نمیشد.

در روزگار ماست که بواسطه گسترش صنعت استفاده از نفت میشود تاجائی که استخراج  
نفت خوزستان بسالی ۶۲۵۰۵۳۳۷۸۰۴ بشکه و تصفیه نفت بسالی ۱۰۶۵۱۷۵۰ بشکه نفت  
رسیده است و قراردادهائی که در این مورد بین ایران و سایر کشورها و شرکتها بسته شده  
بهترین قراردادهای نفتی بین المللی است یعنی تا ۷۵ درصد بهره تعیین شده است و این میزان  
بهره برداری در تاریخ قراردادهای نفتی بی سابقه بوده

در مورد گازهای طبیعی هرچند تا با امروز تا اندازه بی مورد استفاده قرار گرفته:  
بوسیله لوله کشی از منابع نفت خوزستان گاز را بشیراز رسانیده اند و کارخانه عظیم پتروشیمی  
نصب کرده اند و کود شیمیائی را تهیه میکنند که نه تنها در ایران مورد استفاده کشاورزی است  
بلکه سایر کشورها نیز به این کود شیمیائی نیاز دارند و آنرا مورد استفاده قرار میدهند و از  
برکت این کود شیمیائی فرآورده های کشاورزی فزونی مییابد و موجب خیر و برکت میگردد.  
و بدین وسیله با فقر و فاقه جهانی مبارزه میکنند.

ولی هنوز از وجود این همه منابع بیکران نفت و گازهای طبیعی چنانکه شاید و باید  
استفاده نمیشود: شب و روز گاز بیهوده میسوزد و دود میشود و بهوا میرود. اما اکنون توجه  
بدین امر اساسی معطوف گشته و طرحهای بس سودمندی برای استفاده ی بیشتری از این منابع  
در دست اقدام است.

و هرچند از منابع سرشار «پنج آب» نیز تا اندازه بی استفاده میشود: برآب «دز» سد  
بسته اند، آنچنان سدی که از حیث ارتفاع پنجمین سد مرتفع جهان شناخته شده و همچنین بر  
شاوور (شاپور) و کرخه سد بسته اند، اما

ز عشق تا به صبوری هزار فرسنگ است :

این سدها کجا و ادای حق مطلب کجا ؟

کفاف کی دهد این باده‌ها بمستی ما ؟

در گذشته حد اعلای استفاده را از تمام آبهای ایران باستان از سیحون و جیحون گرفته تا کارون و دجله و فرات میشد ، تمام ایران هر جا که آب گذر میکرد سرسبز و خرم بود همین خوزستانی که امروز بشکل بیابان سوزان و خشک و خالی درآمده که گندمش از کانادا و گوشتش از استرالیا و لبنیاتش از هلند و دانمارک میآید پوشیده از کشتزارها و باغها و جنگلها و آبادیها بوده و از شهر شهر که میرفتید از زیر اشجار و یا برانهار میگذاشتند ، در جاهائی که پوشیده از جنگلها بوده امروز ، بوته خار هم دیده نمیشود .

توجه و عنایت ایران باستان نسبت بامر کشاورزی و آبیاری و آبادانی تا جائی بوده که در آن روزگاران پیشین «دیوان گسست وفزود» داشتند یعنی وزارت آبیاری ، «مهندز» داشتند که این واژه امروز مهندس شده و امر مهم آبیاری کشور را تحت نظم و قاعده درمیآوردند و آبها را در زیر اختیار داشتند و اندازه گیری میکردند و در تقسیم و توزیع آن بانهایت انصاف و شایستگی نظارت و مباشرت میکردند و نقل و انتقال آبها را در دفاتر ویژه ثبت و ضبط میمودند و کشتزارها را از روی عدل و داد مییزی میکردند ، و نیز «جوی‌بد» داشتند که میرآب باشد که او عمال و اعوان و انصار داشت و کاریزها و بندها و سدها و نهرها و جویبارها را رسیدگی میکرد : جویها را با سنگ و آجر و ساروج و آهک میساختند و قناتها بقدری گشاده میساختند که اسب باسوار در آن میگذاشت و صد کیلومتر و دویست کیلومتر و سیصد کیلومتر نهر احداث میکردند ، و دل کوههای خارا رامیشکافتند و آبها را از میان کوهها میگذرانند و سدها و بندها را میساختند و آبها را مهار و انبار میکردند یعنی هم از خرابی سیلابها جلوگیری میکردند و هم آبها را تحت اختیار برای کشاورزی از روی اصول علمی درمیآوردند . آثار سدهای عظیمی که نیاکان ما در سرتاسر ایران بزرگ آن روزگاران بسته بودند هنوز برای عبرت و تحریک غیرت ما نمایان است ، آثار پلهائی که امروزه فرو ریخته هنوز پیداست ، جای تیشه و تبری که در احداث رود، کوره‌های صناعی، و بندتراز، و یامیزان و شادروان ، در شوشتر بکار برده‌اند هنوز بچشم دیده میشود و حس اعجاب و آفرین بیننده را بی اختیار برمیآنگیزد ، هنوز جای نهرهای بزرگی که کنده‌اند آنچنان باقی و برقرار است که پس از گذشت هزاران سال اکنون از همان نهرها استفاده میشود : در تجدید و احیای نیشکرستان هفت تپه از این گونه نهرهای باستانی استفاده شد و ملیونها ریال از این رهگذر صرفه جوئی بعمل آمده بجزئی میتوان گفت این پلها و این سدها و این دل کوه شکافتها و این کاریزها و نهرها و این آبادانیها و سرسبزیها مایه مباهات و موجب اعجاب است کشاورزی و غرس اشجار را آنچنان اهمیت میدادند که احداث باغها از جمله آداب مذهبی بشمار میآمد و کشاورزان پس از موبدان و لشکریان از گروه ممتاز شناخته میشدند، این احترام بکشاورزان حتی تا صدر اسلام ادامه داشت و پادشاهان از جمله القابی که میدادند لقب «دهقان» بود و این از القاب ارجمندی بود که محض اعتبار و احترام امیران بانان اعطا میشد . و نیز پادشاهان برای بزرگان و کشاورزان مصونیت قائل بودند و حقوق و حدود آنها را تامین و تضمین میکردند و اجازه نمیدادند کشتزارهای آنها بلطایف الحیل از دست آنها بدر رود . همین گونه عنایتها و

حمايتها از کشاورزی و کشاورزان و برزیگران و روستائیان و دیه‌نشینان بود که ایران را آنچنان آبادان نگاه میداشت و شهرت بزرگی و بزرگواری و حضارت و مدنیت ایران باستان را شهره آفاق ساخت افتخارات کورش و داریوش تنها در آن نبود که از چپ و راست کشورها را میگشودند و بایران بزرگ ملحق مینمودند بلکه افتخار بزرگتر از کشورستانی از آنجهت اندوختند و درس عبرت بآیندگان آموختند که پایه اخلاق حمیده آنان بر عدل و داد استوار بود و عدالت‌پروری و دادگستری به تمام معنی و بمفهوم حقیقی شیوه آنها بود و برعیت‌نوازی و ایجاد آبادانی عنایت مینمودند و شاهشاهی پر نعمت و ثروت و قدرت و عدالتی را بافتخار و نیکنامی گذاشتند و گذشتند که تا بامروز نه تنها ما بلکه جهان انسانیت بوجود آن بزرگواران مباهات میکند و نام آنها را گرامی میدارد و اعمال آنها را با قلم زرین بر صفحه تاریخ نقش میکند .

آنان خود را بزرگ نخواندند این ابنای روزگاران و نسلهای آیندگان بودند که بزرگداشت آنان را بردل و دیده نقش بستند و در جان و روان جای دادند و بزبان و بیان و بنان آوردند و برای افتخار رژیم سلطنت و مملکتداری بیادگار باقی گذاردند .

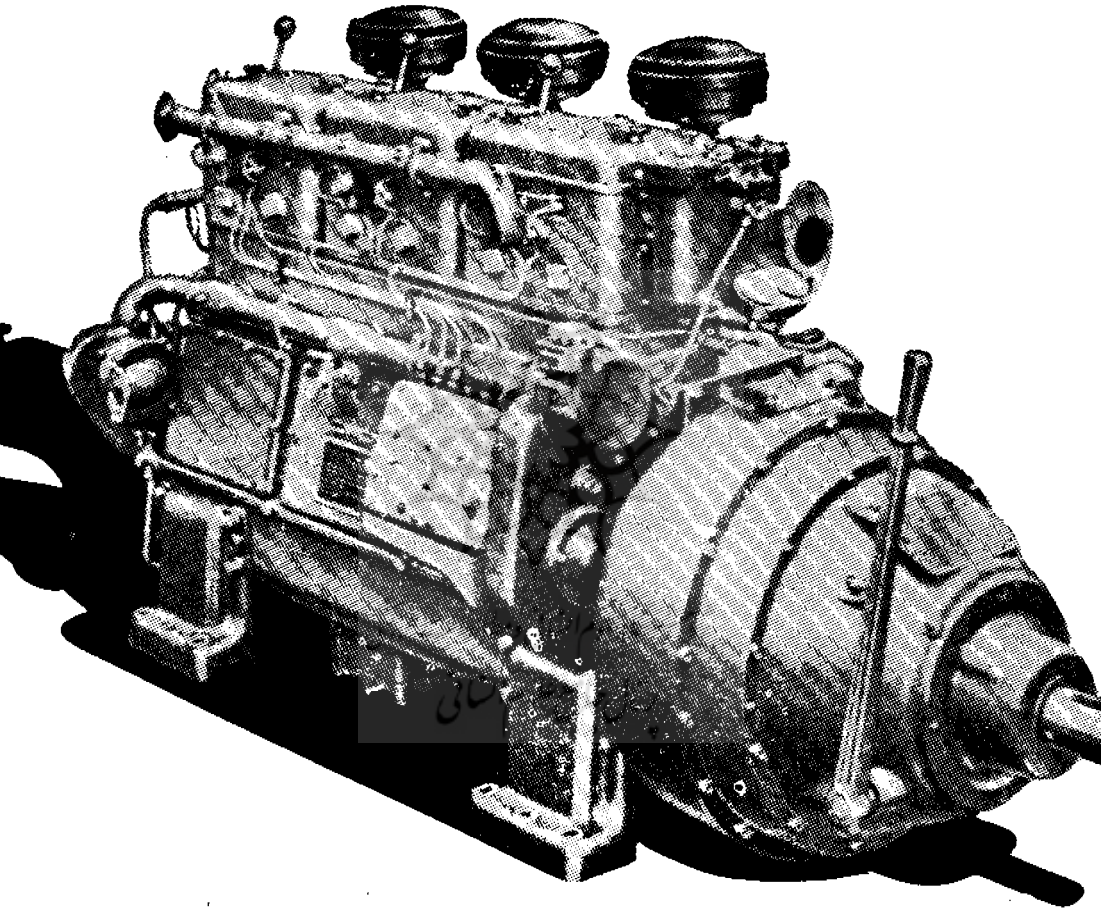
فی‌المثل ما اسکندر گجستک را بهیچوجه «کبیر» ندانیم و بزرگش نخوانیم : این سبکسر تندخوی پرخاشجوی چه کرد جز اینکه آمد و پیش راند و جنگید و کشت و گرفت و سوزانید و خراب کرد و تمدنهای درخشانی همچو تمدن هخامنشی را از میان برد و کشور گشود اما دیر نپائید و ناکام در گذشت و برفت و امپراطوریش از هم گسیخت و دستخوش تفرقه گشت و جنجال و هنگامه‌یی برخاست و نام ننگین ستمگری و آز و رزی از وی برجای ماند اساساً سلاطین بر سه گونه باشند :

آنانکه تنها در کشور خود و تنها در زمان خود نام و نشانی از خود داشته باشند ، مثلاً ما نمیدانیم پادشاه نیال را چه نام است

آنانکه تنها در زمان خود ولی در سرتاسر جهان معروف باشند ، مثلاً میدانیم که ملکه انگلستان را الیزبت نامند

آنانکه در همه کشورها و در همه زمانها شهرت و معروفیت و محبوبیت همگانی داشته باشند : همه نسلها در همه ملتها و همه کشورها آنها را مورد تکریم و تجلیل قرار میدهند و عالم بشریت بوجود آنان مباهات میورزد مانند کورش و داریوش و اردشیر و انوشیروان ، اما نه چون اسکندر و چنگیز و اتیلا و نبرون که به سفاکی و بی‌پاکی و ناپاکی نامور شدند و مورد نکوهش و نفرت قرار گرفتند و رفتند .

# بلاکستون لیستر



نماینده انحصاری در ایران  
شرکت نسبی جمشید گنجی و شرکای  
تهران - خیابان سعدی